



سواد تمام دن یا ها - وسیا سوتنایا گراماتا سواد همه جهانی

شاه کلیدی برای همه علوم

سواد همه جهانی - سیستم ای است خاص برای شناخت همه چیز و در مورد همه چیز، شناخت تمامی کلمات جهان ها (دنیا ها). کلماتی که کیهان ها به کمک آنها خود را خلق می کنند. سواد همه جهانی سیستمی خاص از دانش است از همه چیز و در مورد همه چیز، همه لغات جهان ها (دنیاها). بوسیله آنها همه دنیا ها خود را خلق می کنند! همه دنیا ها به فعل در می آیند! کلیدی برای تمامی علوم و دین های روی زمین. این دانش در ژن هر موجود زنده بر روی زمین و همه دنیا ها ثبت شده اند، منجمله در ژن انسان. محتوای واقعی آن در هر کجا و همه جا حضور دارد. سواد همه جهانی عبارت است از «زبان اولیه» و منشور [i]، تاریخ و ریشه شناسی لغت، ستاره شناسی و بیولوژی، علوم فیزیک و شیمی، سیاست و اقتصاد، سیگمونیکا (درک و دریافت انرژی مواد مافوق-عالی) و علم بیوگنیکا [ii] (علمی در مورد اصول پرورش مواد سالم)، علم پیپتیکا (علمی که این امکان را می دهد تا بدرستی دنیای پیرامون را بسازیم و درک کنیم، با آن ارتباط برقرار کنیم و بر آن تاثیر بگذاریم) مربوط به حرکت و بسیار دیگر از این دست.

مشخص شده که تاریخ «تمدن بیولوژیک [iii]» انسانی حدودا از چهل میلیون سال پیش آغاز گردیده. با بهره گیری از «سواد» میتوان آگاهانه تا صد درصد و حتی بیشتر از کارکرد مغز خود بهره گرفت.

همچنین بدین طریق می توان سی تا سی و سه عضو حسگر خود را فعال نمود، که تنها پنج تای آن شناخته شده اند. بیست و هشت عضو حسگر دیگر در وضعیت تعلیق حیات بسر می برند. سواد همه جهانی این امکان را فراهم می کند که این بیست و هشت عضو حسگر از حالت خفتگی یا «تعلیق حیات» خارج شوند، و باعث می شود تا قادر به درک لذت ها گردیم و نیز دارای توانایی های بیشماری گردیم که برای ادامه حیات ضروری هستند.

سواد همه جهانی چون روشنایی است و به انسانها این امکان را می دهد که هوش و زندگی حقیقی را دوباره دریابند، و حیات را بر روی زمین - این سرزمین خدای خورشید (سرزمین خدای "رَع"، خدای خورشید باستان)، حفظ نمایند.

نگارش برای یاد آوری

انسان قادر به درک چند بعدی است (بیش از سه بعد)، چرا که انسان - دارای خردمندی است. هشت هزار سال پیش، با توجه به اینکه «هوشمندی» بتدریج در حال از دست رفتن بود، بهترین دانشمندان مقدمات تهیه «برگه های قلب» را فراهم نمودند، تا چون عاملی یاد آوری کننده برای انسانها باقی بمانند، وسیله ای برای بازیابی آنچه از یادها رفته است.

حاصل این شد که این «عناصر آغازین» - «منشور آغازین» چند بعدی که «سرمنشاء حیات» (در ساخت مواد و تمامی حیات) بودند در سطحی دوبعدی محصور گردد. حجم بسیار زیاد از دانش (!) این کار عظیم پنج قرن به درازا کشید. حاصل آن انعکاس نشانه ها (معانی) بود بر روی سطحی دو بعدی که در قالب حروف نمود یافت.

در بهره گیری زمینی آن، تعداد «عناصر آغازین» - «منشور آغازین» صد و چهل و هفت عدد میباشد، که مجموع حروف الفبا نامیده می شوند. بدین ترتیب نگارش مسطح آغاز شد، که انعکاس فشرده شده حالت چند بعدی بود در دوبعد. در حالی که هر یک از این حروف الفبای خلاق آغازین چند بعدی هستند و هر حرف از حرف قبلی خود یک بُعد بیشتر دارد.

در سال دوهزار و دوازده میلادی تاریخ دو وجهی نمودن خط بر روی سیاره ما هفت هزار و پانصد و نوزده ساله شد. با بهره گیری از این روش «منشور آغازین» چند بعدی در سطحی دو بعدی منعکس شد، که کاملا برای اشخاصی که قادر به درک سه بعد (طول، عرض، ارتفاع) هستند قابل فهم می باشد. در این متد چنین فرض شده که بتوان قدم به قدم از یک سطح و مرحله به مرحله بالاتر ارتقاء یافت. چون کلیدی است برای درک چند بعدی بودن ساختار دنیا ها.

مبانی اصلی

همه چیز از نقطه ها آغاز می شود. نقطه عصاره تمامی ویژگی های مطلوب آغازین و نوعی سیستم بیولوژیک است. «نقطه» آغاز راه صعود در مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه [iv] معین است. در حین طی کردن مسیر راه، میزان پیشرفت روز افزون می شود و در این صعود کیفیت فراهستی سلامتی بیش از پیش می گردد. و بطور همزمان «نقطه» به سیستم بیولوژیک چند بعدی بزرگی بدل می گردد. سپس به مرحله بعدی می رسد و این بیوسیستم [v] متعالی [vi] گردیده و به عصاره بهترین دست آورد های مرحله بعدی بدل می گردد، و باز «نقطه» با خصوصیات نوین و در مرحله جدید از صعود بوجود می آید. و به همین ترتیب الی آخر. (از سیگمونیکا — علمی در مورد صعود یا عروج

در مورد درک مفهوم «منوگامر نویستی» «چند بُعدی»



Γϕδϕ بعد یکم — عمق

متشکل از نقاط — عصاره های تکرار نشدنی است که به صورت خطی مستقیم عروج می کند، اشعه ای منحصر بفرد که نقاط را متحد می سازد. بدین ترتیب ماده یک بعدی ساخته می شود.

ΛÖϕ بعد دوم — پهنا

چنانچه نقاط در خط مستقیم بیش از حد انباشته شوند، کج می شود و تبدیل به «منحنی» می گردد و به سطح تبدیل می گردد. در همین حال «نقاط» ابتدایی که با یکدیگر در آمیخته شدند و صعود نموده و «منحنی» گردیدند، تبدیل به جسمی دو بعدی میگردند. (آیا شیء تک بعدی بی انتها است- مستقیم است؟! پرسشی از ریاضیات واقعی/)

ΩϕΓϕ بعد سوم — طول (دنباله)

پس از بدست آمدن «سطح»، نقاط متحد شده دو بعدی، از لحاظ تعداد افزایش می یابند و ویژگی و ماهیت ای نوین راکسب می کند، و شروع می کند به سه بعدی شدن، یعنی فرمی مارپیچی به خود می گیرد، و دارای ساختاری با «فاکتور» یک می گردد. (آیا شیء تک بعدی بی انتها است- کج است؟! شیء سه بعدی از این مارپیچ های ابتدایی شکل می گیرد. اما عروج و صعود شیء ادامه می یابد.

TϕCTϕXA بعد چهارم — ضخامت

وقتی بر تعداد شاخه های مارپیچ بیش از حد افزوده میشود، پیچیده می گردد و از مارپیچ ساده به مارپیچ مارپیچ ها — فاکتور دوم تبدیل می شود. (آیا شیء سه بعدی بی انتهاست — مارپیچ؟! بدین ترتیب شیء چهار بعدی ساخته می شود.

Πϕ%ϕ بعد پنجم — حالت اسفنجی

بُعد پنجم و ابعاد بعدی بدین ترتیب شکل میگیرند: «مارپیچ مارپیچ ها» ی کوچکتر به فرم مارپیچ بُعد بالاتر پیچیده می گردد — مارپیچی از مارپیچ مارپیچ ها — از نوع فاکتور سوم. بعد از فاکتور از نوع سوم، از آن به بعد موادی با درجه پالایش بالا بوجود می آیند — مارپیچ از مارپیچ مارپیچهای — مارپیچ ها. این فاکتور از نوع چهارم است. شیء تنها تا فاکتور از نوع هشت فرم مادی دارد، از آن به بعد، یعنی از بُعد دهم — بییت — به صورت شفاف در میآید.

شیء با ده بُعد آخرین فرم از گروه مواد زمخت (آنچه ما اینجا به عنوان ماده سخت درک می کنیم) می باشد. در علم نوین، که قدمت اش تنها دویست سال است، به اشتباه تنها مواد زمخت ماده دانسته می شود، اگر چه دیگر مواد ساخته شده ساختار

یافته [vii] نیز مخلوقی است مادی، اما با ظرافت بیشتر، که به خاطر ظاهر نا آشنای شان متاسفانه از سوی مردم قابل درک نیستند.

[i] منشور یا قوانین آغازین (زایاودالناست) عبارت است از منشور "روس" همه جهانی.

. عبارت است از منشور کیهان ما و همه تمدن های بیولوژیک موجود در آن.

. عبارت است از سر رشته راهنمای رستاخیز برای هر موجود زنده.

. عبارت است از مجموعه اصول رستاخیزی انواع ماده اعم از مواد ضمخت و ظریف

آنان به زمینیان رسیده اند آنچنان که معروف است "چهل از چهل گانه"

[iii] یوگنیکا عبارت است از علمی مربوط به رشد و پرورش ماده سالم.

[iiii] تمدن بیولوژیک (بیوتسیویلیزاتسیا) در این مورد بر این امر توجه خاص شده که در تمدن بیولوژیک همه و هر چیز

دارای خرد می باشد. بدین معنی که هر لحظه "خود بالندگی" به منصفه ظهور میرسد، یعنی خردمندی و رهایی فرا می

رسد. تمدن امروزی "وابسته به تکنولوژی" است، بدین معنی که اسپر ماشین و صنعت است. ماشین فاقد خردمندی است -

یعنی مرده است. از این رو است که بسیاری از عالمان فهیم تمدن امروزی را "فرهنگ مرده" می نامند. از این روست که

هدف هر دین واقعی باز یابی خردمندی انسان است. ترکیب حروف "ری" (در لغت روسی ریلیگیا - دین) در خود مفهوم

بازیابی را داراست، ترکیب حرف "لیگیا" یا "لیگاوست" به معنی ارتباط و همبستگی استبه عنوان مثال افلاطون می گوید:

"سه شر بزرگ عبارت اند از - دموکراسی (آزادی چشم چپ از چشم راست و از این قبیل)، کودنی دانشمندان و بی

نزاکتی روحانیان". در اینجا لازم است یاد آور شویم که لغات روسی "بی نزاکتی" (نیوژستوا) و "نادانی" (نیزنانه) در

بیشتر زبان های اروپایی "بی توجهی" معنی می شود.

[iv] کونتینیومالنایا - کوانتومی گونه - پله و مرحله ای است که در آن توانایی و کیفیت برای رستاخیز و بازیابی

خردمندی وجود دارد.

[v] سیستمی کلی که دارای نظام خاصی است.

[vi] فعل "سیگمیریویتسیا" به معنی تجمیع (آنگونه که اغلب معنی می شود) نیست. مبنای "سیگمیریویتسیا" در حرف

سیگما

$$\sum_{i=1}^n cr + (c_{i-1})$$

منعکس شده. عبارت است از عصاره با کیفیت ای نوین تا عصاره اصل.

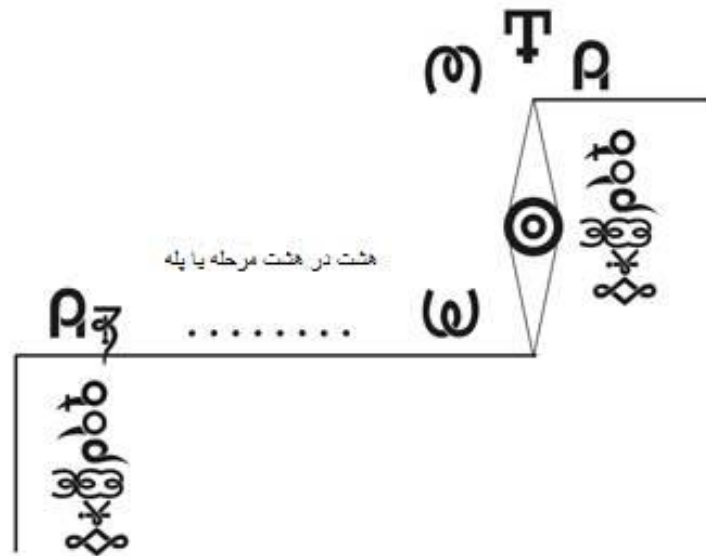
[vii] عبارت "او ستروکتوریزیروانیه" ساختار یافته با "اوستروکتوریزیروانیه" ساخته شده ی فرق دارد. این لغت

متاسفانه در لغت نامه های امروزی درج نشده. حرف O او در ابتدای کلمه به معنی "بعدی" است - O دارای فرم حلقه یا

دایره است، چه در زبان روسی و چه در دیگر زبان ها. به عنوان مثال این لغت وجود دارد: اوگلتسوات به معنی محاصره

کردن. از این رو حرف O او در ابتدای کلمه به معنی "حلقه" سازی است.

علمی در مورد عروج - سیگمونیکا



P (زآ)
W (أت)

اصول عروج از هر مرحله به مرحله بعدی توسط علمی به نام سیگمونیکا مورد بررسی قرار می گیرد. «سیستم دوره ای عناصر شیمیایی اولیه»، بر همان اساسی شکل می گیرد که حروف الفبا با صد و چهل و هفت حرف (علامت). بدین معنی که، هر عنصر از «سیستم دوره ای عناصر شیمیایی اولیه»، همچون حروف الفبا، نسبت به عنصر قبلی دارای بعدی بالاتر است. در اینجا به بررسی صعود یک بیوسیستم از یک مرحله «مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه» به مرحله (فضا-زمان کوانتومی گونه) بعد می پردازیم.

در این شکل آغاز عروج به تصویر کشیده شده، به این ترتیب که حرف (آز) رسم شده، و در همین مرحله شکل گیری کیفیت ای تازه و چند بعدی شدن و حرف شصت و چهارم (أت) دیده می شود. در ادامه عبور از لوکامورنایا زونا ناحیه دریای کماتی ناحیه خلیج، که شاعر روسی پوشکین در مورد آن مطالبی نوشته بود) و رسیدن به «مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه» بعدی دیده می شود، یعنی مرحله ای که دوباره و بر اساس حرف «آز» آغاز می شود و به «ات» ختم می شود. همین ویژگی در مورد انسانها نیز صادق است، انسانهایی که کیهان را به سوی خود جذب میکنند، کسانی که در فرجه ای اندک از تخمک بارور اوخ، تی [i] «چه عجیبی تو» به مخلوق خداوند بدل می شوند، مخلوقی متعالی و منحصر بفرد. در عروج به «مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه» دیگر، شصت و چهار عنصر در هم می آمیزند و ادغام می شوند و نقطه ای نو می سازند. و با آغاز صعود و عروج ساختار بیولوژیک، نقطه ای نو یا انسانی نو ساخته می شود، در هر مرحله «مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه» هشت زیر مرحله و در هر کدام از آنها هشت قدم طی می شود، تا رسیدن به بُعد بعدی، شصت و چهار قدم برداشته میشود.

هر نقطه پس از رشد به مرحله «مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه» بعدی صعود می کند و شیء ای شصت و پنج بُعدی می شود. در حالی که از بُعدی به بُعد دیگر منتقل می شود، ساختار بیولوژیک، تمامی ویژگی های چند بعدی بدست آمده از قبل را در خود حفظ می نماید و به عنصری چند منظوره تبدیل می گردد.

از حرف «آز» تا حرف «أت» شصت و چهار قدم صعود فاصله وجود دارد، شصت و چهار حرف، شصت و چهار بُعد. هشت در هشت مرحله. معروف است که پروفیری ایوانوف به شصت و چهار قدم برای عروج [ii] معتقد بود، همچون «آز» «أت» (اُت) نیروی زندگی. شصت و چهار قدم عروج - حرف، که نشانگر اصول مشترک در آموزه عروج و صعود همه سیستمهای بیولوژیک برای تمام «مدارج فضا-زمان کوانتومی گونه» است.

زمان و فضای چند بُعدی بدین ترتیب ساخته می شوند

درک ماهیت «چند بعدی» به بیداری توانایی خفته فهم «درک چند بعدی» کمک می کند، توانایی فهم عمق و دنیا های خداوند. این امر باعث می گردد که هوش بشری بازسازی شود. زمانی که دانشمندان کنونی با «چشمان فن سالار» - تلسکوپ خود سه بعدی نظاره گر ستارگان به ظاهر خاموش شونده هستند، این ستارگان به همراه سیاره های سیستم خود و «تمدن های بیولوژیک خویش» به کیفیت چند بعدی و جدید خویش وارد می شوند، هر چند که هنوز این امر از دید زمینیان پنهان مانده. تنها با درک پایین است که سیارات، ستارگان، و کهکشان های همسایه این چنین دور دیده می شود.

بیولوژیک بودن تفکر

انسان با بکارگیری حروف الفبا در حقیقت حافظه ژنتیک خود را کشف مینماید. بدین ترتیب، بازیابی بیولوژیک تفکر صورت میپذیرد.

مخصوصاً تفکر بیولوژیک امکان به یادآوری ارتباط با سیستم ستاره مجاور-خورشید، کهکشان مجاور - راه شیری، کیهان ما - «همه جهانی روس» [iii] را فراهم می کند. گذشتگان می دانستند که زندگی به شکلی مارپیچی به پیش می رود. انسانهای هوشمند در مسیر مارپیچ چندبعدی فضا و زمان را درمی نوردیدند، در مسیر های طولانی بیولوژیک گذر میکردند، بدون بهره گیری از وسایل سه بعدی (راکت، هواپیما، اتومبیل و از این قبیل). انسانها این امکان را دارند که به صورت بیولوژیک و «منوگامرنوستی» چند بعدی به قلب مارپیچ زندگی [iv] وارد شوند، در حالی که از میانه فضاء و زمان گذر می کنند. با یادآوری امکان ادغام در دیگر تمدن های بیولوژیک، ارتباطی که قبلاً وجود داشت، وجود دارد و وجود خواهد داشت، در اینجا لازم است یاد آور شویم که با استفاده بیشتر از هوش چنین امری امکان پذیر است، بیش از آنچه که اکنون انسانهای روی زمین از آن بهره می گیرند (بیش از سه درصد). برای این منظور می باید هوش خفته را بیدار نمود.

سطح بالای هوش این امکان را به انسانها می دهد، که به فهم و جمع آوری هر آنچه از منابع ملی حفظ شده برداریم و آنها را در یک تمدن گرد آوریم، تمدنی که در آن هوش حکمرانی می کند، و نه بی خبری و آزمندی انسان. اولین حروف الفبای ساخته شده، سرمنشا زبانهای همه ملت هاست. درک و تعمق در آن تنها راه فهم هر چیز و همه چیز است. آنها پاسخ هر پرسشی را در خود دارند.

این راهی است برای یکی شدن!

У

X

[i] حروف ترکیبی اوخ "УХ" درحقیقت از دو حرف У (اوک) به مفهوم عصاره آغازین نرینگی زندگی و حرف X (خیر) به مفهوم عصاره آغازین مادگی زندگی تشکیل شده. و یا آنگونه که امروزه آن را می نامند Y (وای) و X (ایکس) کروموزوم.

! УХ, ТУ !

مردم روس مقدس در ابتدا از ساختار ژن ها و کروموزوم ها آگاه بودند و از این رو بود که در هنگام وجد و شعف می گفتند: "УХ ТЫ" "اوخ، تی" یعنی "تو" عصاره زندگی آغازین هستی. حرف Y (اوک) همچنین ریشه کلمه ناوکا (در زبان روسی Наука علم) می باشد. و حرف X - علامت خرنیتیلنیتسا ژیزن آچاگا یا حافظ چراغ زندگی می باشد. [ii] شست و چهار قدم برای عروج همچنین اُت نیروی زندگی نامیده می شود.



— (Селеніа, Селеніа) —
[*], [*]
"یا" -

[iii] حرف Я "یا" همچنین سلوا (СЛОВО) یعنی کلمه نامیده می شود. بدین معنی که عبارت " همه جهانی " (وسی. سوت نایا) به معنی همه کلمات روس مقدس РУСЬ است. این نام کیهان کیهان هاست که به ما تعلق دارد و کلمه اوسلنیوانیه با این لغت هم ریشه است. لغت وسلیننایا (ВСелённая) از لغت سلینیه (Селение) – روستا است.



[iv] مارپیچ زندگی مثل هر موجود زنده ای به صورت مارپیچی تتومند (تنیده می شود) می گردد. که این گردش به سمت راست است. مارپیچ راستگرد مارپیچ زندگی است، ولی چپگرد نه، برای بسیاری از افراد که در عصر حاضر زندگی میکنند این امر را تشخیص نمی دهند. از این رو است که مسلمانان به راستی اعتقاد دارد، ما (روس ها) پراو اسلاو (به روسی یعنی ارتدوکس) هستیم، که هر دو این کلمات با این مفهوم در ارتباط اند. مفهوم مارپیچ دی ان آ (بهرتر است بگویم فاکتور های ارثی) معروف است. حتی نور خورشید به صورت مارپیچ گسترش می یابد (امروزه ثابت شده). دقیقاً به همین خاطر، به عنوان مثال کلمه زندگی در زبان لاتین "Vita" است که به معنی تنیدن و رشد کردن و تنیده شدن است. در سواد (دانش) همه جهانی حرفی وجود دارد که ویتا "Vita" نامیده می شود

— (Селеніа, Селеніа) —
[*], [*]



توجه! ترجمه متون از زبان روسی به زبان های دیگر با مشکلاتی در فرم جمله و تبیین همراه است. از این رو پیشنهاد می کنیم که در صورت امکان مبنای تان متن تهیه شده به زبان روسی باشد، چرا که دقیق تر است. خوشحال خواهیم شد تا به شما در ترجمه متون به زبان خودتان کمک کنیم. آدرس ایمیل:

programotu.ru